نزد ارباب بلاغت آن سخن دان معتبر
کان بود بسیار معنی و مفید و مختصر

بسم الله الرحمن الرحیم

ای کلام از خطاب نام ذات تو نظام
وی ز شهد و شکرین شرب زبان شیرین کلام

رحمت عام و سلامت بر روان انبیا
خاصه بر روح محمد باد و بر آل عبا

بعد حمد و نعت و مدح آل پیغمبر بدان
فرض بعد از حق شناسی علم ترتیل قرآن

در تعلم کوش و در تعلیم جد و جهد کن
خیر دنیا و آخرت بخشد خدا ای نیک سخن

در سبب نظم رساله و عدد ابیات آن و تاریخ تالیف

در زمان حضرت جمجاه سلیمان بارگاه
خسرو صاحبقران عباس شاه
برتو خورشید شد تابان و ماهش ثانیه
مهر عدلش بر سر خلق جهان پاینده باد
شد در دریای طبعم فیض بخش خاص و عام
حفظ آن این نامی کرد جمع بکر کمال
رشته این نظم شد پر لؤلؤ ای نیکو خصال
از لؤلؤیه عدد این نظم للاسلام
شمس سید ابو القاسم تاریخی مشتهر
اعطه اللهم بالعطا عبد مفتقر
خبر در آری اهل و اندر طرف نهار
از لؤلؤای پرده تنزیل آشکار
خوان الحکم رتل القرآن ترتیلا قرآن
زانکه اهل الله رضا خواهد اهل آن

فی معنی الترتیل

معنی ترتیل ادای حق حرف است و وقف
و ز وجوه صفات و حرکت و ادغام و اخراج

حروف هجا و عدد مخارج آن

بیست و نه حرف تهجی دان ای پاک دشت
در شمار مخرج او البته قوی هفده گشت

عدد دندان و اقسام آن

بر لب رسی و دو دندان چار قسمند ای پسر
چار پیشین را ثنایا دان دو زیر و دو زبر
زیر و بالا از دو جانب دان رباعیات چار
چار دیگر کن بدین دستور انیاب شمار
بیست دندان دگر اضراس انواعش سه گیر
از دو جانب دان ضواحک چار رو بالا
شش طواحن دان ز هر جانب سه زیر و سه زبر
هست بعضی را نواجذ چار دان باشد اگر

مخارج حروف ابتدا از حروف حلقیه و جوفیه

همزه ها ز اقصای حلق از اوسط او عین و حا
ز آخرش دان غین و خا حرف مد از جوف هوا

لهویه

لهویه

جانب حلق از ملازه غلصمه دان جای قاف
جانب دیگر بعکسش جا که بعد از قاف کاف
آنکه او را ملازه میخوانی　　این لهات است اگر نمیدانی

مخرج هفتم شجریه

از میان کام و از وسط زبان شین جیم و یا
قبل شین دانند در اخراج اکثر جیم را
چون که بیند کام زیر و زبر　　این میان را نهند نام شجر

ضرسی و حافتی که بعضی شجریه مینامند

از بن دندان کرسی ضاد و پهلوی زبان
خواه از چپ گوی و خواه از راست مختاری در آن
معنی حافه جانب است و کنار　　ضرس دندان آسیای شمار

لثویه که بعضی ذلقیه مینامند

بعد ضاد هست از کنار و بعد کرسیهای کام
از دو جانب زامن ایسر ادای حرف لام

نون ز بعد لام و از فوق ثنایا شد عیان
را قریب نون ولی با فوق ان پشت زبان

ذلقیه و حروف نطعیه که بعضی ذلقیه میدانند

از سر دندان فوق پیش و تیزی زبان
ظا و ذال و ثا هست طا و دال و تا از نطع

در لثه پیش زمره نقله هست یا رکنه زبان اسله

اسلیه که بعضی ذلقیه مینامند

شد بهو اطراف ثنایا منفصل طرف زبان
فرجه مشروطه آن جای زا و سین صاد دان

شفویه ... و غنه ...

از لب زیرین و اطراف ثنایا فا طلب
کن ادای حرف واو و میم و با از هر دو لب

از میانه واو و میم و با ز بیرون و درون
غنه از خیشوم دان در میم با اظهار و نون

از درون دو غ دان خیشوم   غنه صوت که گران شود مفهوم

صفات حروف اقتدان مهموسه و مجهوره و مطبقه و منفتحه

همس ضد جهر حرفش شخصه در کسف شح
صاد و ضاد و طا و ظا اطباق ضد منفتح

حروف شدیده و الرخوه و بین الشده و الرخاوة

حرف بین الشده و الرخوه لن عمر
قطب اجدت شد شدیده دان رخاوه ما بقی

حروف استعلا و استفال و اذلاق و اصمات

حرف مستعلا ضد مستفل قظ خص ضغط

فر من لب مذلقه دان مصمته ضد سن لضط

حروف ساکنه حروف قلقله و مجهوره مضغوطه و تفشی و صغیر

ضد اسکان قلقله مضغوطه جد قطب کبیر

لجه حا مشرف تفشی صاد و سین و زا صغیر

حروف مد و لین و جوف و هوائی حروف منوعه منفوشه مجروره و منفوخه

واو الف یا حرف مد و لین و جوف است هوا

نیز همزه نفث تا مجرور را خا منفوخه فا

حروف خفیه و معتله و منحرف و حروف تکریر و مستطیل

ها حرف مد بود خفیه اوی اعتلال

را مکرر منحرف دان لام و ر ضاد استطال

44

حروف غنه بستر

غنوی دان میم و نون که نه تنوین لقاین

حالت ادغام و اخفا غنه چون باشد قرین

استعاذه که بعضی واجب میدانند

در اصح قبل از قراءت استعاذه مستحب

تابع قرآن بود در جهر و اخفا پس بسب

بسمله که مالکی و بعضی از علماء حنفیه از قرآن نمیدانند

بسمله از مصحف و جمهور دان آیه — در اصح جز توبه جزء اول هر سور

قراءت بسمله بعد از استعاذه تخییر است قبل اجزاء از سوره

بسمله در افتتاح سورها جز توبه خوان — لیک در اجزا مخیر مجملا تفصیل آن

یا بنام حق مصدر باشد اجزای قرآن — نام شیطان است یا مظهر بود یا مضمر آن

بسمله با اول ترک از دم مستحسن است — گر این آن بود بعون مخیر حسن است

وجه جایزه بسمله میان استعاذه و سوره

بسمله بین استعاذه سوره خوش چار دان
وصل اول قطع طرفین و عکس این دو آن

با سه وجه آخرین دان بسمله ای نور عین
وصل اول قطع آخر نیست بین السورتین

استحباب وصل بسمله با سوره عشر

وصل بسم تهد به سبح الحمد و رحمن | با قمر با حاقه با قارعه با اقترب
بسمله در ده سوره با وصل خوان | فاتحه انعام و الکهف ای جوان
قارعه فاطر چو حاقه انبیا | چون قمر رحمن دگر باشد سبا

قطع بسم الله آخر سوره

با قمر با تکاثر وصل بسم الله مکن | با عبس تبت ولا اقسم دیگر مکن
بسمله در نه سوره بی وصل خوان | ایکه داری در قراءت وصل ...

چون ولا اقسم مع با عبس | با تکاثر لم یکن تبت اول

صوانیجهای کنایه

هر ضمیری را که ساکن نیست قبل بعد آن
چون به الی انه من یرضه بگذر از آن
در قرائت عاصم چو در یرضه لکم با قصر ها
با صله فیه مهانا لیک باشد حفص

حرف مد قوی و ضعیف و آنی را شرط مد نیز گویند

حرف مد دان واو الف یا را در اوتینا یقین
واو یا را نیز در حو لین دان شکل حرف لین
همزه را با حرف مد یا بی مقارن هر کجا
مد واجب دان و جایز هر دو چون جاء آبا

مد سکون لازم مد عارض و مظهر

حرف مد قبل از سکون لازمی با مد علم
خواه مدغم خواه مظهر هر دو چون ن و القلم

کهیعص حمعسق الم الله

در فواتح عین در حالین با توسیط و مد
با جلاله طول و قصر میم صله مستند

مد سکون عارض مظهر فقط

حرف قبل ساکن عارض سه وجه از مد و لین
خوان چو خوف و خیر سوء و شیء صفوان حور عین

مقدار کشش مدات پنجگانه

هر کجا همزه سبب با طول لازمی
مد چار و پنج الف کش سه چو باشد عارضی

ادغام صغیر از متجانسین

دال ساکن با تا ادغام دال اذ ظلموا
تای ساکن نیز مدغم شود در دال و طا

یافت یلهث ذلک و ارکب معنا ادغام ورود
تا بدال و با بمیم ادغام در اعراف و هود
در احطت و در بسطت مدغم و ما فرطتم
طای ساکن با بقای وصف اطباقش بتا

ادغام صغیر از متقاربین

قاف نخلقکم بکاف ادغام کرده بی خلاف
یا بقا و بی بقای وصف استعلای قاف
ذال ساکن را اتخذ و اخذ مدغم کن بتا
حفص با اظهار میخواند ولی در هر دو جا
لام قل با بل شود مدغم الا بهر که را
سکته و اظهار است در بل ران و من راق حفص

ادغام لام تعریف در حروف شمسیه و اظهار در قمریه

لام ال مدغم شود در چارده حرف هجا
تا و ثا و لام و نون از دال تا ظا

احکام میم ساکنه نزد حروف هجا

میم ساکن نحو میم ادغام و اظهار نزد بوف
نحو با اخفی اصح اظهار با دیکر حروف

احکام نون ساکنه و تنوین نزد حروف تهجی

حکم نون ساکن و تنوین بر حرف هجا
قلب و ادغام است و اظهار و اخفا

قلب نحو با میم ادغام نحو یرملون
نحو اغخ خعه اظهار اخفا نزد دون

ادغام با غنه و اظهار نزد یا و واو

با یمون دان غنه و اظهار نون کن چهار جا
دنیا و قنوان صنوان مطلقا

اظهار نون ساکنه بروایت حفص نزد را و واو

حفص اظهار کرد نون من راق
حال وصل اظهار نون کن یس و القران

تفخیم و ترقیق الفات

هست تفخیم الف با تصل مستقر
بعد استعلا و لام در تغلیظ اکر

تغلیظ و ترقیق لامات

قبل لام الله و اللهم نحو کسر اکر
هست با تغلیظ و با ترقیق باشد اکر

تفخیم و ترقیق راات

را نحو با فتح و ضم یا بعد هر یک با سکون
جمله با تفخیم دان ترقیق مکسور است چون
را مر فوق ساکن مسبوق با کسر است اکر
قبل استعلا و بعد همزه وصل نحو ارجعوا

وقف یای متطرفه

بعد کسره یای ساکن نیست وقف را اکر
لیحوان مفخم مصر و قطر ادام وجه است ای لیکن

وقف بر واو ... کلمه

وقف مستعمل نه است اشمام و اسکان نحو قوم

نقل و حذف اثبات الحاق ادغام ابدال و روم

احکام ضمه حرف موقوف علیه

حرف موقوف علیه از ضمه دللو جایز است اشمام نحو وقف و اسکان روم نیز

احکام کسره و فتحه حرف موقوف علیه

گر بکسره باشد آن مختار اسکانست و روم

غیر اسکان نیست حکم فتحه آن نزد قوم

وجه جایز حرف مد و لین با اسکان و اشمام و روم

روم دللو حکم صواب سه وجه لین و مد جایز است اشمام و اسکان نبود اندر صلاح

جائز و امتناع روم و اشمام های کنایه

با صحیح ساکن و فتح و الف ها نبود ار

چون علیه آمده به اندر وقفش اسکان معتبر

اشمام اولی

امتناع روم و اشمام حرکت عارض و تای گرد و ها ست

ضم و کسره عارض و تائی که وقف وی بهاست

همچو فتحه حکمش آن در وقف جز اسکان خطاست

معنی روم و اشمام و اختلاس

در تلفظ ثلث حرکت روم ثلثین اختلاس

خیزد اشمام از دهان غنچه معنی شناس

رموز وقف و وصل و سکت

وقف و غیره رمزات صق صلی ج قف ط و میم و ق

لا ثلاثه صل زنا صلی جیم وقفه سین صاد و کاف

م ج ط قف صل فلا لا

وقف لازم میم و جایز جیم و مطلق طا وقف

ضد وقف صل و قیل لا وقف قلا لا لا تقف

زصلی س قفه

ز امجوز صلی وصل اولی بود صلی امد صحی

سکت س ضد قفه نزد یک وصلت از کی

صق جب جه

صق دلیل وقف دان الا بشرط وصل قبل

صب بشرط وصل بعد وجه دلیل وقف و وصل

ص ق ک

ص دان وقف مرخص قلب فیه الوقف قاف

همچو ما قبلست اندر وقف غیره حکم کاف

وقف اختیاری و اضطراری بود آیه غیر آنکه لا مرو رست

ما عاده ابع

وقف در جائی که لا با آیه باشد مطلقا

لا اعاده بلکه برزد ملکه ز چو بود غیر لا

با [illegible]

ختم سوره با تهلیل و تکبیر یا تکبیر فقط

تا باخر لوک با تکبیر ختم از والضحی — یا زده جا لاحق تکبیر کن تهلیل را

زلزلت تبت و قریش و عصر با یا الکفر — قارعه ماعون لهب کوثر فلق ناس کلار

اختتام رساله

یا ناظم بر توضیح تجوید قران — زان هنگام آمد در گلزار تحقیق ایمان

کر برای لطائف اوراق کلک نو باوه ام — از خفای خاطر یاران زبان خام ام

قاریا از سمت خاطر کاک کلک هیچ رکو — با صلاح آر آتش بر کف نامه دو کن عفو از او

بعد از ابهای دعا و از دعای عمرشاه

ناظم این رساله بکرد لوک یاد آر گاه

تمت الرسالة [illegible]

جامع این [illegible] سنه ۱۲۲۹

زصلی س قفه

زا مجوز وصلت وصلت اولی یو صلت اصدق

سکت س ضد قفه نزد یک وصلت ازرکی

صق جیم جه

صق دلیل وقف دان الا بشرط وصلت قبل

صب بشرط وصلت بعد وجه دلیل وقف دن وصل

ص ق ك

ص دان وقف مرخص قلی فیه الوقف قاف

همچو ما قبلست اندر وقف غیره حکم کاف

وقف اختیاری و اضطراری بو آیه غیر آنده که لا مرور ست ما عاده ایت

وقف در جایی که لا با آیه باشد مطلقا

بی اعاده بلمزد مکذر چو نبود غیر لا

با ...

ختم سوره با تهلیل و تکبیر یا تکبیر فقط

تا باخر لوك باتکبیر ختم از روا الضحی
یا زده جالا حق تکبیر گون تهلیل را

زلزلت تبت و قریش و عصر یا د ایلالدر
قارعه ماعون لهب کوثر فلق ناس کافر

اختتام رساله

یا ناظم یدی توضیح تجوید قرآن
راه هنکام در کلزار تحقیق ایدکان

کرکه ... اوراق کلزار ... ام
از خفای خارجی ... زبان ... مرام

قاریا ... خار ... کل ... کو
با صلاح ... ناموس ... خدا ...

بعد از اجرای دعا ولد دیای عمر شاه

ناظم این پند بکرد توبه یا ایزد آگاه

تمت الرسالة ... سنه ١٣٢٩